

متن پرسش

با سلام: در نگاه عرفانی می‌توان به این نتیجه رسید که: رحمت بر دو نوع است: رحمت عام (رحمت امتنان) که همه موجودات را از آن حیث که وجود دارند فرا می‌گیرند؛ چه خیر باشند چه شر و چه، طاعت باشند و چه، معصیت. رحمت خاص (رحمت وجوب) که خداوند بر خود واجب نموده و بر کاینات بر طبق اعیان ثابت‌شان و بر انسان، علاوه بر آن بر طبق اعمالش عطا می‌کند. قلب انسان کامل هر چند که با رحمت ایجاد شده ولی چون همه اسما و صفات الهی را در خود متجلی می‌سازد، فراگیرتر از رحمت است و رحمت بر غضب، پیشی دارد و نهایتاً شامل اهل جهنم نیز خواهد شد، به این دلایل؛ اولاً: غضب، عارضی ارواح است نه ذاتی و عارضی از بین خواهد رفت و ثانیاً: برای وفای به وعید، مرجحی جز معصیت نیست که آن هم توسط خداوند، طبق آیات «يُبدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ □ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» «نتجاوز عن سيئاتهم» و «... ان الله يغفر الذنوب جميعا» بخشیده خواهد شد. پس باطن عذاب، رحمت است؛ باطنه فيه الرحمة وظاهره من قبله العذاب» چنانچه عذاب قوم یونس، رحمت را بر آنان برگرداند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ولی از آن طرف هم فکر کنید که هرکس را به خودش می‌دهند و می‌فرمایند: «افْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ غَلِيظًا حَسِيْبًا» کتاب خود را که همان صحیفه‌ی جان تو می‌باشد، بخوان خودت برای ارزیابی خودت کافی هستی. حال اگر کسی در آن تنهایی قیامت، هیچ خدایی نداشت در حالی‌که فطرتش تنها با خدا آرام می‌گیرد، چه بر او می‌گذرد! عرایضی در رابطه با آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی جاثیه شده است. شاید در این رابطه کمک کند. موفق باشید

[وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَأُكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَأُكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ (۳۴)]

و به آن‌ها گفته می‌شود در این زمان شما را تنها می‌گذاریم و فراموش می‌کنیم همان‌طور که شما ملاقات این روز خود را فراموش کردید و مأوای شما آتش است و برای شما هیچ یآوری نیست.

«وَقِيلَ الْيَوْمَ» و گفته می‌شود بفرمایید، ما امروز به شما بی‌محلی می‌کنیم. خدایی که عین رحمت است و فرمود «سَبَقْتُ رَحْمَتِي غَضَبِي» رحمت من بر غضب من سبقت دارد. در این‌جا می‌فرماید این افراد نسبت به آن رحمت فراموش می‌شوند.

وقتی انسان خودش را در دنیا در آن حضور معنوی حاضر نکرد و از جهان کیفی وسیع عالم غیب و معنویت محروم شد، یک مرتبه با فراموشی از طرف خداوند روبه‌رو می‌شود و در تنهایی خاصی که هیچ امیدی به جایی ندارد، قرار می‌گیرد، چیزی که فکر نمی‌کنم احدی در این دنیا بتواند آن را تصور کند. در رابطه با علت این تنهایی و فراموشی، موضوع روشنی را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا» این تنهایی چیزی نیست جز انعکاس فراموشی این روزتان که امروز در مقابل خود می‌یابید ولی اکنون دیگر نمی‌توانید این روز را که روز حضور در محضر خداوند است و با خداوند به‌سربردن، از آن خود کنید. شما می‌توانید در همین دنیا این روز خود را ملاقات کنید، زیرا این روز شما بود و می‌توانستید با این روز خود در دنیا، آماده‌ی حضور در روزی شوید که در قیامت با آن روبه‌رو خواهید شد.

به نظر بنده نکته‌ای دقیق و ظریف در این قسمت از آیه مطرح است که جای بحث بیشتر دارد. در ادامه فرمود: «وَمَا أَوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ» مگر این‌ها در دنیا به دنبال مأوا نبودند ولی دنیا را مأوای خود گرفتند؟ حال آتش مأوای آن‌ها شد که عین بی‌مأوایی می‌باشد. «وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ» و برای شما هیچ یآوری که به نحوی به شما کمک کند تا از تنهایی شما بکاهد، نیست و این چیزی جز انعکاس همان زندگی دنیای خودتان نیست که جز خودتان هیچ چیز دیگری را نمی‌دیدید و به کثرات دنیای مشغول بودید و حالا خودتان هستید بدون آن مشغولیات. وقتی بدانیم انسان بدون کمک و رحمت الهی قدمی نمی‌تواند بردارد، و حتی اهل دنیا هم در دنیا به رحمت الهی امیدوارند. وقتی این امید به کلی قطع شود و هیچ چیزی که بتوان به آن مشغول شد و به آن امیدوار بود، نماند، چه می‌شود؟ «والله اعلم».

فرمود به آن‌ها گفته می‌شود: «الْيَوْمَ نَسَاكُم كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَا أَوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ» به نظر می‌آید باز نیاز است بر روی قسمت «كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا» کمی بیشتر فکر شود. به منکران معاد می‌فرماید شما روزگارانی داشتید و می‌توانستید لقای که امروز با آن روبه‌رو شده‌اید را از قبل تجربه کنید و در آن فضا زندگی کنید ولی با مشغولیات دنیایی و کبر و خود برتربینی‌ها از یادتان رفت که چنین حضوری در کنارتان بود. هرکاری که موجب شود تا ما این نوع حضور را فراموش کنیم، فردای قیامت موجب آن تنهایی خاص می‌شود. حال آن کار هرکاری می‌خواهد باشد. مگر آن‌که زندگی را با نظر به حضوری که در ابدیت داریم و می‌توان آن را احساس کرد، دنبال کنیم.

می‌فرماید: «لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا» لقاء این روز که روز خود شما بود و لقای که می‌توانستید با نظر به آن برای خود داشته باشید. این روزتان را می‌توانستید در افق حضور خدا احساس کنید و منور به چنین توحیدی می‌شدید که عالم برایتان محل ظهور انوار الهی می‌شد و امروز بحمدالله این نحوه حضور خدا را در انقلاب اسلامی در مقابل استکبار، می‌توانید احساس کنید و همین امروز به آینده‌ی توحیدی خود

نظر نماييد.